

درآمدی بر شاخص‌های فرهنگی مطلوب

سیدرضا صالحی امیری*

رمضانعلی رویایی**

محمد سلیمی***

چکیده

از مهم‌ترین مقدمات لازم برای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، شناخت و ارزیابی دقیق از اوضاع جاری فرهنگ است که این کار مبتنی بر ملاک‌ها یا ابزارهایی موسوم به شاخص‌های فرهنگی انجام می‌شود. اما پیچیدگی فرهنگ و کثرت عوامل و عناصر آن و نیز مبانی و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، موضوع شاخص‌های فرهنگی را به مسئله‌ای جدی تبدیل کرده است؛ چراکه در سنجش فرهنگ، از همان ابتدا با این سوال مواجه هستیم که شاخص‌های مطلوب برای سنجش فرهنگ کدامند و بایستی از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشند. به بیان دقیق‌تر، مبنای تعیین شاخص‌ها چیست و چگونه و با کدام منطق می‌توان آنها را طراحی کرد. پاسخ اساسی به این سوالات، نیازمند توجه به مبانی فرهنگ اصیل جامعه، استفاده از تجارب گذشته همراه با نقد شاخص‌های پیشین می‌باشد. در این مقاله که برگرفته از پژوهشی کلی‌تر است، پس از بیان مفاهیم و مبانی نظری موضوع و نیز بررسی و نقد مهم‌ترین شاخص‌های موجود، ویژگی‌های لازم برای شاخص‌های مطلوب با استدلال بیان گردیده است. این ویژگی‌ها به‌طور عمده شامل: ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل فرهنگی، دوجبهتی‌بودن، قابلیت اندازه‌گیری، فراگیری، نظام‌مندی، مقبولیت نسبی، عملی و به صرفه‌بودن است.

کلیدواژه‌ها

شاخص‌های فرهنگی، شاخص‌های فرهنگی مطلوب، ارزیابی فرهنگ.

dr.salehiamiri@gmail.com

r.royaee@srbiau.ac.ir

salimi.moheb@gmail.com

* دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

** استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

*** پژوهشگر اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «طراحی الگوی مطلوب شاخص‌های فرهنگی برای رسانه ملی» است.

تبیین مفاهیم مقدماتی

شاخص^۱

«شاخص» در لغت به معنای بلند، ممتاز، منتخب، نماینده و هر چیز یا کسی است که ویژگی بارزی داشته و در بین هم‌ردیفان خود ممتاز و برگزیده باشد (معین، ۱۹۹۳: ۲ و عمید، ۱۳۷۳: ۲). اما در اصطلاح علمی؛ شاخص، امری است که به وسیله آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات یا ثبوت یک موضوع را تشخیص داده و اندازه‌گیری کرد (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶: ۵۶). وسایلی مانند دماسنج، انواع ترازوهای فیزیکی، رقمی (دیجیتالی) و یا برخی رفتارهای انسانی مصادیقی روشن از شاخص‌هایی است که به ترتیب برای اندازه‌گیری حرارت، وزن و قضاوت در مورد شخصیت انسان‌ها به کار می‌روند (نک. Britannica Encyclopedia, Index).

ویژگی‌های عمومی شاخص‌ها

مهم‌ترین ویژگی‌های لازم برای یک شاخص مناسب را می‌توان به ترتیب ذیل عنوان کرد.

۱. تناسب با موضوع؛ به این معنا که شاخص، بایستی با تغییرات موضوع به نحوی تناسب و هماهنگی داشته تا بتواند تغییرات موضوع را با نسبتی منظم و معنادار نشان دهد.
۲. حساسیت: شاخص، بایستی در برابر خصلت‌ها و تغییرات موضوع از حساسیت کافی برخوردار باشد به نحوی که بتواند تغییرات موضوع را با دقت مورد نیاز نشان دهد.
۳. قابلیت تمایز: شاخص، نباید از موضوعاتی غیر از موضوع مورد ارزیابی تاثیر پذیرد و یا در چنین شرایطی بتوان سایر تأثیرات را از تاثیر موضوع مورد ارزیابی تفکیک کرد.
۴. سهولت کاربرد: به این معنی که کاربرد شاخص برای اندازه‌گیری، از جهات گوناگون به آسانی ممکن بوده و حتی الامکان مستلزم صرف هزینه و زمان زیاد نباشد (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶: ۵۷).

۵. قابلیت جمع‌بندی: چنانچه برای ابعاد مختلف موضوع، شاخص‌های متعدد و گوناگونی طرح شود، این شاخص‌ها بایستی به گونه‌ای تعریف و ضریب داده شوند که

1. Index

بتوان آن‌ها را با جمع‌بندی به وحدت رسانید تا علاوه بر سنجش ابعاد گوناگون موضوع، بتوان در مورد کلیت آن نیز به درستی اظهار نظر کرد. اعمال ضرائب متفاوت برای نمرات دروس گوناگون در آزمون ورودی دانشگاه‌ها مثال خوبی برای این ویژگی است.

ضرورت و اهمیت شاخص‌های فرهنگی

شاخص‌های فرهنگی به‌عنوان ابزارهایی برای سنجش و ارزیابی فرهنگ جاری جامعه، از جهات زیر شایسته اهمیت است:

– با توجه به گستردگی و پیچیدگی امور فرهنگی اجتماعی، هرگونه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی برای بهبود و تعالی امور فرهنگی، نیازمند شاخص‌هایی برای شناخت و ارزیابی دقیق علمی از وضع موجود است؛ به‌گونه‌ای که این شناخت، از حدس و تخمین‌های شخصی کارشناسان فراتر رود.

– شاخص‌های فرهنگی، زبان و ادبیات مشترکی را برای اطلاع‌رسانی، تبادل نظر و تفاهم در زمینه مسائل فرهنگی فراهم می‌سازد.

– در بسیاری موارد، تدریجی و نامحسوس بودن تغییر و تحولات فرهنگی باعث می‌شود تا جریان‌ات از دید مسئولان و حتی صاحب‌نظران پنهان بماند. اما به‌کارگیری شاخص‌های دقیق از این امر جلوگیری می‌کند.

مبانی نظری

همان‌گونه که جهان‌بینی‌ها و تلقی‌های متفاوت از جامعه و انسان و نیز آرمان‌ها و ایده‌آل‌های او، توصیف‌ها و تحلیل‌های مربوط به فرهنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهند، این مبانی در تعیین شاخص‌های فرهنگی و اولویت‌بندی آنها نیز تأثیر به‌سزایی دارد. در این گفتار چند اصل بنیانی را از منظر جهان‌بینی و معارف اسلامی یادآور می‌شویم که می‌تواند مبنای خوبی برای نقد و بررسی شاخص‌های موجود و مقدمه‌ای برای نیل به شاخص‌های مطلوب باشد.

وجود پایگاهی ثابت برای خوب و بد و ارزش و ضد ارزش

از مبانی مهم در ارزیابی امور فرهنگی اجتماعی، پایگاه تعیین خوب و بد، ارزش و ضد

ارزش و اساساً حق و باطل است. برخلاف مبانی مادی و اومانیستی، که با تکیه بر گرایش‌های پلورالیستی و یا نسبی‌گرایی، ارزش‌ها و حقایق فراگیر و ثابت را مورد تردید اساسی قرار می‌دهند (مریجی، ۱۳۸۲: ۲۷؛ ویلسون ۱۳۷۴: ۱۲۹)، در نگرش اسلامی، این گونه حقایق و ارزش‌ها به پایگاهی مستحکم و باثبات بازگشت می‌نماید. این پایگاه ثابت، در نهایت همان وجود زوال‌ناپذیر خداوند است که حق مطلق و جامع همه کمالات و صفات نیکو و سرچشمه هر خوبی و ارزش است و دلیل تمایل بشر نیز به خوبی‌ها و گریز از بدی‌ها، همان ویژگی‌هایی است که از روح الهی وی نشأت گرفته و با خلقت وی سرشته است (روم: ۳۰ و حجر: ۲۹). دستورات و تعالیم خداوند در قالب دین نیز، از همان حقایق جاویدان نشأت می‌گیرد و برای شکوفاسازی و تکامل همین گرایش‌های فطری یا درونی انسان‌هاست. پس حق یا باطل بودن، زیبا و یا قبیح بودن و ارزش یا ضد ارزش بودن هر چیز، نه امری فرضی و قراردادی، بلکه امری حقیقی است که به ماهیت و ویژگی‌های آن بستگی دارد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۵). به‌طور کلی، بدون پذیرش پایگاهی ثابت و استوار، چنین مفاهیمی بی‌معنا خواهند شد؛ اعتقاد به چنین پایگاهی، طراحی الگویی استوار از شاخص‌های فرهنگی را ممکن و آنرا از افتادن در دام نسبی‌گرایی و تردیدهای واهی نجات می‌دهد.

ابعاد وجودی انسان

با مطالعه نظرات اندیشمندان اسلامی در این مورد، می‌توان نتیجه گرفت که انسان دارای سه بُعد اصلی شامل؛ قلب (محل بروز عواطف و احساسات)، ذهن (مرکز اندیشه و تفکرات) و جسم (محل بروز رفتارهای عینی) است. چنان‌که شهید مطهری در ضمن بیان مراتب تسلیم انسان، به این سه بعد اشاره می‌کند (مطهری، بی‌تا: ۳۱۵). باید توجه داشت رابطه این سه بعد از وجود انسان، در تعامل با یکدیگر بوده و برهم تأثیر می‌گذارند (سوره روم: ۱۰) اما در نهایت، این اراده و اختیار است که به توانایی انسان، جهت و ساختار می‌بخشد (شورای فرهنگ عمومی: ۱۶ و ۱۷).

اصالت فرد و جامعه

چنان‌که توضیح خواهیم داد در طراحی شاخص‌های فرهنگی، نحوه نگرش به جایگاه

فرد و جامعه و ارتباط آن دو اهمیت دارد. به طور کلی در بحث اصالت فرد یا جامعه سه دیدگاه عمده مطرح است.

اول: اصالت فرد: که قائل است که فقط افراد هستند که می‌اندیشند و عمل می‌کنند و جامعه به خودی خود هیچ واقعیت و نقش خاصی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۵۴).

دوم: اصالت جامعه: در نقطه مقابل اصالت فرد، جامعه‌گرایان بر این باورند که تمام افکار و احساسات و تصمیم‌های افراد تحت تأثیر بلکه تابع شرایط اجتماعی رخ می‌دهد (سوزنچی، ۱۳۸۵: ۴۲).

سوم: اصالت فرد و جامعه: بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو دیدگاه قبل با اشکالاتی اساسی روبرو می‌شوند؛ مثلاً اصالت جمع، نمی‌تواند نقش افراد خصوصاً نخبگان را در تغییر و تحول جامعه تحلیل نماید و اصالت فرد نیز نمی‌تواند تأثیر چشمگیر جامعه را در تکوین و جهت‌گیری عقاید، اندیشه‌ها و رفتار افراد تفسیر کند. بنابراین، بایستی اذعان کرد رابطه فرد و جامعه نوعی ترکیب است و این دو هویت، در طول هم قرار دارند. با این نگرش، هم فرد و هم جامعه واقعیت و اصالت دارند (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۶-۲۷) در این نگاه، حل مسئله اصالت فرد و اصالت جامعه در واقع مصداقی از نگرش وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است.

متون قرآن کریم و روایات اسلامی نیز موید نظر سوم است که علاوه بر افراد برای امت‌ها و اقوام نیز هویت، مسئولیت و سرنوشت قائل است (سوره‌های غافر: ۵، جاثیه: ۲۸، اعراف: ۳۴ و انعام: ۱۰۸).

ابعاد و عوامل جامعه

جامعه را از زوایای گوناگویی تقسیم کرده‌اند. اما از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، می‌توان گفت: در سطح کلان، اصلاح و تکامل هر جامعه در گرو اصلاح «امور جامعه» یعنی وضعیت موضوعات جاری جامعه است و اصلاح امور جامعه نیز از طریق انجام «فعالیت‌های» مناسب یعنی تلاش‌های ارادی انسان‌ها صورت می‌گیرد که این فعالیت‌ها نیز با تکیه بر «امکانات و مقدرات» (انسانی یا مادی) جامعه انجام می‌شود. از این دیدگاه، فرهنگ جامعه نیز شامل سه بخش عمده ذیل می‌گردد.

- «امور فرهنگی»^۱ که تجلی فرهنگ در انسان‌هاست و جوهره اصلی فرهنگ محسوب شده و مشتمل بر پیش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهاست.
- «فعالیت‌های فرهنگی»^۲ به معنای تلاش‌هایی که باعث تغییر در امور فرهنگی می‌شوند.
- «مقدورات فرهنگی»^۳ به معنای همه توانایی‌های مادی و انسانی که می‌تواند در خدمت فعالیت‌های فرهنگی قرار گیرد (سلیمی، ۱۳۹۴).

بررسی شاخص‌های فرهنگی موجود

به دلیل نوپا بودن بحث شاخص‌های فرهنگی، پیشینه‌ای گسترده و عمیق را نمی‌توان در این حوزه، شاهد بود، اما بررسی شاخص‌های مطرح‌شده، از جهت انواع آن و نیز کیفیت طبقه‌بندی و انسجام الگویی آنها، تجربیاتی ارزشمند را برای طراحی شاخص‌های فرهنگی مطلوب فراهم می‌کند.

پیشینه در خارج کشور

مهم‌ترین تلاش‌های انجام‌شده در خارج از کشور در این زمینه، بدین شرح‌اند:

الف) شاخص‌های فرهنگی یونسکو

تبیین شاخص‌ها

سازمان یونسکو در سال ۱۹۸۰ شاخص‌هایی را برای ارزیابی فرهنگ‌ها ارائه کرد که ضمن قطع‌نامه استانداردسازی بین‌المللی آمارهای مربوط به مخارج عمومی در بلغراد، تصویب شده و شامل فهرستی از ده مقوله ذیل بود (دوپوی، ۱۳۷۴):

«میراث فرهنگی»، «مطبوعات و انتشارات»، «موسیقی»، «هنرهای نمایشی»، «هنرهای تجسمی»، «سینما و عکاسی»، «برنامه‌های رادیویی»، «فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی»، «ورزش و بازی‌ها»، «طبیعت و محیط زیست».

-
1. Cultural affair
 2. Cultural facilities
 3. Cultural activities

این سازمان در سال ۱۹۹۹ مجموعه جدید و کامل تری از شاخص‌های فرهنگی را تدوین و تحت عنوان گزارش جهانی فرهنگ ۲۰۰۰ منتشر کرد (ر.ک: یونسکو، ۱۳۸۱). شاخص‌های مذکور شش بخش عمده و در مجموع، سی عنوان کلی را شامل می‌شود. این عناوین، به ترتیب ذیل است:

فعالیت‌ها و روندهای فرهنگی

۱. روزنامه‌ها و کتب؛ ۲. کتاب‌خانه‌ها و نشریات فرهنگی؛ ۳. رادیو و تلویزیون؛ ۴. سینما و فیلم؛ ۵. موسیقی ضبط شده.

میراث و رسوم فرهنگی

۶. زبان‌های چیره؛ ۷. مذاهب چیره/ عمده؛ ۸. جشنواره‌های ملی؛ ۹. جشنواره‌های مردمی و مذهبی؛ ۱۰. مکان‌های فرهنگی با بیشترین بازدیدکنندگان؛ ۱۱. مکان‌های طبیعی با بیشترین بازدیدکنندگان؛ ۱۲. مکان‌های میراث جهانی.

تصویب‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها

۱۳. قراردادهای کار و فرهنگ یونسکو^۱ (۱۹۹۹)؛ ۱۴. کنوانسیون‌های حقوق بشر سازمان ملل (۱۹۹۹)؛ ۱۵. روندهای تجارت فرهنگی؛ ۱۶. توزیع تجارت فرهنگی برحسب نوع آن؛ ۱۷. جریان‌ات گردشگری؛ ۱۸. گردشگری بین‌المللی؛ ۱۹. ارتباطات؛ ۲۰. فناوری نوین ارتباطی.

ترجمه‌ها

۲۱. فهرست ترجمه‌ها و کتاب‌ها به زبان خارجی؛ ۲۲. ترجمه‌های زبان مبدأ؛ ۲۳. نویسندگانی که بیشترین ترجمه‌ها از آثار آن‌ها انجام شده است.

بافت فرهنگی

۲۴. آموزش؛ ۲۵. آموزش ثانویه در خارج از کشور؛ ۲۷. جمعیت‌شناسی و بهداشت؛

1. LIO

۲۸. اقتصادی (فرهنگ اقتصادی)؛ ۲۹. امنیت اجتماعی؛ ۳۰. محیط زیست و تنوع زیستی.^۱

امتیازات و کارکردهای مثبت

– این شاخص‌ها غالباً ناظر بر مقولات و مصادیقی از فعالیت‌ها و مقدرات فرهنگی است که غالباً شناخته شده و محسوس بوده و اکثراً به سهولت قابل اندازه‌گیری و ارائه آماری است.

– شاخص‌های طرح شده (روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو و تلویزیون، سینما و...) اکثراً جنبه عمومی داشته و اندازه‌گیری آنها در یک جامعه می‌تواند بیش از موضوعات خرد، پویایی و تحولات فرهنگ را نشان دهد.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

– غفلت از امور فرهنگی؛ در این شاخص‌ها غالباً فعالیت‌های فرهنگی (مانند انتشار کتب، روزنامه‌ها، فیلم و...) و نیز مقدرات فرهنگی مورد توجه گرفته اما بسیاری از امور فرهنگی – که به دلیل ماهیت انسانی – اهمیت اساسی تری دارند، مطرح نشده است. امور مثبتی مانند: کمک‌ها و فداکاری‌های اجتماعی، حضور در عبادت‌گاه‌ها، ازدواج، صلح ارحام، و امور منفی مانند: انواع جرائم، اعتیاد، فسادهای اخلاقی و... در این شاخص‌ها لحاظ نشده‌اند.

– تکیه بر کمی؛ مهم‌ترین ویژگی قابل طرح در مورد شاخص‌های فرهنگی یونسکو (۱۹۸۰ و ۲۰۰۰)، نگاه صرفاً کمی به مقولات فرهنگی و عدم توجه به کیفیت، و جهت‌گیری‌ها است.

فعالیت‌هایی مانند تولید فیلم، کتاب، موسیقی، تجارت فرهنگی، و... گرچه حائز اهمیت هستند، اما افزایش کمی آنها لزوماً به معنای پیشرفت و تعالی فرهنگی نیست، حتی شواهد نشان می‌دهد که انجام ناصحیح این فعالیت‌ها، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های گسترده‌ای را موجب گردیده‌اند (دفلور و اورت، ۱۳۸۳: ۲۲۵ – ۲۴۰).

۱. برای ارزیابی هر یک از این‌ها از شاخص‌های مشخص تری استفاده می‌شود؛ مثلاً وضعیت کتاب و روزنامه‌ها با تعداد عنوان‌های چاپ و یا ترجمه شده و تیراژ آنها و فیلم و سینما از طریق تعداد فیلم‌های تولید شده و سالن‌های نمایش و ... محاسبه می‌شود.

لذا به کارگیری شاخص‌های فرهنگی یونسکو که بیشتر ناظر بر اقتصاد فرهنگ است، کشورهای ثروتمند را - که در انجام فعالیت‌هایی مانند تولید و مصرف کالاهای فرهنگی، از توانایی بیشتر برخوردارند، در مرتبه بالاتری از پیشرفت فرهنگی و کشورهای توسعه‌نیافته از نظر اقتصادی را - ولو با فرهنگ و ارزش‌های اصیل و غنی‌تر - در مرتبه پایین‌تری قرار می‌دهد.

- نظام‌مند نبودن؛ همان‌گونه که پیداست شاخص‌های یادشده، فاقد الگویی منطقی و منسجم است. در نتیجه، کاربرد آنها اطلاعات پراکنده‌ای را به دست می‌دهد که امکان اشراف و قضاوت نسبت به وضعیت کلی فرهنگ فراهم نمی‌کند.

ب- شاخص‌های فرهنگی ایالات متحده آمریکا

تبیین شاخص‌ها

این شاخص‌ها، حاصل پژوهشی کلان است که در کتابی با همین عنوان، ارائه شده و در آن، وضعیت فرهنگی این کشور با نمونه‌هایی از کشورهای گوناگون جهان - بر اساس همین شاخص‌ها - مقایسه شده است (بنت، ۱۳۸۱: ۱۰). فهرست این شاخص‌ها به ترتیب زیر است:

فصل اول: جرایم؛ جرایم عمد، جرایم جنایی، جرایم جنایی و نوجوانان، حبس (تعداد زندانیان)، مجازات و مصرف مواد مخدر.

فصل دوم: خانواده، میزان زادوولد نامشروع، خانواده‌های تک‌والد، ازدواج و زندگی مشترک، طلاق، رفاه کودکان و سقط جنین.

فصل سوم: آموزش؛ دستاوردهای سومین مطالعه بین‌المللی ریاضیات و علوم؛ دستاوردهای ارزیابی ملی پیشرفت آموزشی؛ دستاوردهای آزمون سنجش آموزشی، هزینه‌های آموزش و مدارس دولتی.

فصل چهارم: رفتار نوجوانان؛ نوجوانان و زادوولد نامشروع، سقط جنین بین نوجوانان، خودکشی بین نوجوانان، نوجوانان و اعتیاد به الکل و مواد مخدر.

فصل پنجم: فرهنگ مردم و مذهب؛ تلویزیون، فیلم و سینما، تفریح و اوقات فراغت، عضویت در کلیسا و افسردگی.

فصل ششم: مشارکت مدنی؛ اعتماد و بی‌اعتمادی، امور خیریه، مهاجرت و نیروهای نظامی.

امتیازات و کارایی‌های مثبت

– توجه ویژه به امور فرهنگی: برخلاف شاخص‌های یونسکو، این مجموعه به امور فرهنگی، به‌ویژه رفتارهای مثبت و منفی توجه کرده است. به‌نظر می‌رسد علت توجه طراحان به این نکته، تمایل به شناخت واقعیت‌های فرهنگ جامعه خود – فارغ از دشواری‌ها و ظاهرسازی‌های تبلیغاتی – بوده است. به همین دلیل، با کاربرد این شاخص‌ها، وضع بسیار اسفبار فرهنگی آمریکا در مقایسه با کشورهای دیگر، به‌خوبی مشخص شده است.^۱

– تکیه بر جنبه‌های اساسی و کلیدی: این مجموعه از بیان شاخص‌های جزئی و غیرضروری خودداری کرده و بر امور مهمی تکیه می‌کند که در بخش‌های گوناگون فرهنگ، نقاط عطف محسوب می‌شوند و تغییر در آن‌ها می‌تواند نمایانگر تغییر در بسیاری از امور مشابه و مرتبط با آن‌ها نیز باشد.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

– نداشتن الگو و نظامی منطقی و منسجم؛ گرچه در این شاخص‌ها، نوعی طبقه‌بندی رعایت شده، اما کل مجموعه، فاقد ساختار منطقی و منسجم است و ناهماهنگی، عدم انسجام و گاه تداخل به وضوح در فصول و شاخص‌ها ملاحظه می‌شود.

مثلاً مطرح کردن فصلی با عنوان «فرهنگ مردم و مذهب» نمی‌تواند خود، یکی از بخش‌ها یا مقولات فرهنگی باشد؛ زیرا این دو عامل، ذاتاً شمولیت داشته و تفکیک دین به‌عنوان امری علی‌حده با نگاه سکولاریستی سازگار است.

همچنین فصل اول (جرایم) با فصل چهارم (رفتار نوجوان) تناسب منطقی ندارد؛ زیرا

۱. نویسنده کتاب مذکور در مقدمه کتابش، نسبت به رشد ۴۶۷ درصدی جرایم و ۴۶۳ درصدی زادوولد‌های نامشروع و رشد دویست درصدی خانواده‌های تک‌والدی و ... (از سال ۱۹۶۰ تا سال دوهزار) هشدار می‌دهد.

جرم، خود نوعی رفتار محسوب می‌شود که بخشی از آن به نوجوانان و نیز دیگر اقشار (کودکان، بزرگسالان و...) مربوط است.

– فراگیر نبودن: به دلیل نداشتن الگویی منطقی و جامع، برخی موضوعات مانند فرهنگ سازمانی و یا فرهنگ اقتصادی، مسکوت مانده‌اند.

پیشینه در داخل کشور

در حوزه مورد بحث، پژوهش‌هایی بدین شرح در کشورمان انجام شده است:

الف) شاخص‌های اولیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کتاب «سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان»، شاخص‌های فرهنگی یونسکو در سال ۱۹۸۰ را مطرح کرده و علاوه بر موارد یادشده، از امور ذیل نیز به‌عنوان شاخص‌های فرهنگی یاد کرده است که به‌طور مشخص‌تر می‌توانند برای اندازه‌گیری به کار روند:

تعداد صندلی‌های سینما (برای هر هزار نفر)؛ تعداد فیلم‌های سینمایی تولیدشده در طول یک سال؛ تعداد کتب چاپ و ترجمه شده؛ تعداد کتب کتابخانه‌ها؛ میزان پخش برنامه‌های صداوسیما؛ تعداد گیرنده‌ها و فرستنده‌ها؛ شمارگان روزنامه‌ها و مجلات؛ میزان مصرف کاغذ؛ میزان تولید، واردات و صادرات کالای فرهنگی؛ آمار توریسم (مسعودیان، ۱۳۷۲).

چنان‌که روشن است این شاخص‌ها، از سنخ همان شاخص‌های فرهنگی یونسکو (۱۹۸۰) و یا در جهت تکمیل آن‌هاست. لذا تمامی این موارد در اقدام بعدی یونسکو (سال ۱۹۹۹) مورد توجه قرار گرفته است و از همین‌رو، قوت‌ها و ضعف‌های آن نیز از سنخ شاخص‌های یادشده است.

ب) شاخص‌های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۲)

شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۵ مجموعه‌ای

جدید از شاخص‌های فرهنگی را تصویب کرد. این مجموعه شامل یک بخش مقدماتی و سه بخش اصلی است که بخش سوم، ده فصل فرعی را تشکیل می‌دهد و در کل ۱۶۷ شاخص معرفی شده است. ساختار بخش‌ها به ترتیب زیر است:

مقدمه: ارزش‌های اساسی جمهوری اسلامی؛ بخش اول: شاخص‌های تحولات فکری، بینشی و رفتاری؛ بخش دوم: شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی؛ بخش سوم: شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات، شامل:

الف) کتاب؛ ب) مطبوعات؛ ج) سینما؛ د) موسیقی، تئاتر و دیگر فعالیت‌های هنری؛ ه) ورزش؛ و) رادیو و تلویزیون؛ ز) خبرگزاری؛ ح) دیگر رسانه‌های صوتی و تصویری؛ ط) امور مذهبی؛ ی) میراث فرهنگی و امور سیاحتی؛ ک) اقتصاد فرهنگ، پژوهش و مشارکت فرهنگی؛ ل) مبادلات فرهنگی؛ م) وسایل ارتباطی.

امتیازات و کارایی‌های مثبت

– جهت‌محوری و ارزش‌مداری در بسیاری از شاخص‌ها: در بیشتر شاخص‌های فصل اول (تحولات فکری، بینشی و رفتاری)، ابتدا بر ارزش‌ها و آرمان‌های نظام اسلامی ملاحظه می‌شود و این شاخص‌ها صبغه‌ای الهی دارند. شاخص‌هایی مانند میزان اعتقاد به خدا و روز جزا، میزان پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و ...^۱

– مقدم‌داشتن امور و شاخص‌های انسانی بر دیگر شاخص‌ها: در این مجموعه، امور فرهنگی – که جوهره اصلی فرهنگ جامعه را نشان می‌دهد – به جدیت مورد اهتمام قرار گرفته و بسیاری از شاخص‌ها، ناظر بر ارزش‌ها، رفتارها و امور جاری در زندگی مردم است.

– جامعیت: همان‌گونه که گفته شد، در این مجموعه، ۱۶۷ شاخص معرفی و سعی شده موضوع یا فعالیت فرهنگی‌ای خاصی فروگذار نشود.

۱. به دلیل کثرت شاخص‌ها و رعایت اختصار، از ذکر شاخص‌ها خودداری شده است. در صورت نیاز، به مصوبه ۵۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۸۲/۹/۲۵ در سایت این شورا رجوع فرمایید.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

- ناهماهنگی در طبقه‌بندی شاخص‌های اصلی (سطح کلان): به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله در این مجموعه، مشکل ساختاری و الگویی است. لذا با وجود دقت‌های اعمال‌شده، گاه می‌توان تداخل و تشتت را در این طبقه‌بندی مشاهده کرد.

این مجموعه، ابتدا با بیان ارزش‌های اساسی نظام شروع شده و سپس سه بخش عمده شامل؛ «شاخص‌های تحولات فکری بینش و رفتاری»، «شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی» و «شاخص‌های نیروی انسانی، فضای تجهیزات فرهنگی» مطرح گردیده که این سه، مقسم واحد و منطقی مشخصی ندارد. به همین دلیل، شاهد تشتت و تداخل در شاخص‌های فرعی نیز هستیم.

- نارسایی‌های شاخص‌های اعلام‌شده در سطح خرد بدین شرح‌اند؛

(الف) بسیاری از شاخص‌ها به دلیل کلیت خود، نیازمند شاخص‌های جزئی‌تر هستند؛ مانند میزان اعتقاد به خدا و روز جزا، میزان پای‌بندی به شعایر فردی و اجتماعی دین اسلام و که تقسیم آن‌ها به شاخص‌های جزئی‌تر، به تکثر بیشتر شاخص‌ها منجر شده و در نتیجه، کاربرد شاخص‌ها را پرهزینه خواهد کرد.

(ب) برخی موارد مانند میزان پای‌بندی به شیوه‌های ارتقای اجتماعی بهنجار (۱-۸) و میزان اعتقاد و احترام به ویژگی‌های انسان کامل از نظر دین (۱-۳) التزام به ارزش‌های ملی و دینی (۱-۱۵) و...، مبهم، اجمالی و یا بسیار کلی و در نتیجه، غیر کاربردی است.

(ج) شاخص‌های بخش اول، عمدتاً کلی و کیفی هستند. در حالی که شاخص‌های بخش‌های دوم و سوم حاوی ضعف‌های دیگری هستند. مانند؛ «اکتفا به کمیت امور و غفلت از کیفیت آنها»^۱ و «انحصار شاخص‌ها به امور مثبت»؛ مانند: اکتفا کردن به تعداد ازدواج‌ها، میزان انفاق و خیرات و... و غفلت از شاخص‌های منفی مانند؛ میزان طلاق، قتل و جرایم دیگر، که باعث کاهش دقت در ارزیابی می‌شود.

۱. همچنان که در نقد شاخص‌های یونسکو گفته شد؛ مانند اکتفا به آمار فیلم‌ها، کتب منتشر شده و... بدون توجه به میزان سازندگی یا مخرب‌بودن آن‌ها.

ج) طرح «تدوین و تبیین شاخص‌های فرهنگی در اسلام»

در سال ۱۳۷۷ طرحی پژوهشی با عنوان «تدوین و تبیین شاخص‌های فرهنگی در اسلام» به کوشش: خانم بصراوی و زیر نظر معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران انجام شد.^۱

بصراوی معتقد است برای یافتن شاخص‌های فرهنگی، قبل از کمی کردن شاخص‌ها، باید در پی یافتن این شاخص‌ها از منابع اسلامی باشیم. وی در پایان طرح خود، ۴۵ شاخص مانند کفرستیزی، خضوع، حب الهی، رضایت به قضای الهی، و توکل و ... را برای ارزیابی فرهنگ پیشنهاد و برای هر یک از آنها، نمونه‌های کمی و قابل اندازه‌گیری ذکر می‌کند.

امتیازات و کارایی‌های مثبت

بیشتر شاخص‌های یادشده در پژوهش مورد نظر، به دلیل تمرکز پژوهشگر بر منابع و متون اسلامی، برگرفته از اصطلاحات قرآنی و روایی است و در مجموع، موضوعاتی بسیار جالب طرح شده است که می‌تواند مبنای دقت‌های بیشتر در این زمینه باشد. همچنین، بیشتر نمونه‌های قابل اندازه‌گیری که برای هر شاخص مطرح شده‌اند، خوب، مرتبط و کمیت‌پذیرند.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

مروری اجمالی بر شاخص‌ها، نشان می‌دهد که برای طراحی ساختار آن، دقت عمیقی صورت نگرفته است؛ زیرا این شاخص‌ها نه تنها هیچ الگو و نظامی ندارند؛ بلکه هیچ گونه اولویت یا ترتیبی نیز در طرح آن‌ها رعایت نشده است. لذا بسیاری از شاخص‌ها در یکدیگر تداخل دارند و گاه اعم یا اخص از یکدیگرند؛ در نتیجه، کاربرد آن‌ها نمی‌تواند ارزیابی دقیق و تصویری روشن از وضعیت موجود فرهنگ عرضه کند.

۱. جهاد دانشگاهی، واحد تهران، طرح پژوهشی شماره ۱۱، ۳۲۲، ۱۳۷۷.

همچنین برخی از شاخص‌ها و نمونه‌های مطرح شده برای اندازه‌گیری آن‌ها از روشنی، دقت و ارتباط منطقی با یکدیگر برخوردار نیستند. مانند: بهره‌وری از قرآن در خرافه‌زدایی، بهره‌وری از قرآن در تاریخ‌نگاری، ارتقا و توسعه فقه در جامعه و ... با این حال، تحقیق مذکور، در جایگاه خود اثری ارزشمند است که می‌تواند در شناسایی و طراحی نظام شاخص‌های مطلوب، بسیار مفید باشد.

د) شاخص‌های فرهنگی شورای فرهنگ عمومی

این شاخص‌ها، در اصل برگرفته از پژوهشی است که از سوی مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید (قم) در سال ۱۳۷۲ اجرا شد و سپس شورای فرهنگ عمومی، با اصلاحاتی آنها را در قالب کتابی به نام «شاخص‌های فرهنگ عمومی» منتشر کرد. با توجه به ساختار و مفاهیم جدید، لازم است قبل از بیان شاخص‌های مذکور، برخی نکات به اختصار توضیح داده شود:

الف) در این مجموعه، مقولات فرهنگی شامل سه بخش عمده: «امور فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی» و «مقدورات فرهنگی» است که تعاریف هر یک در قسمت ۲-۴ بیان گردید.

ب) ابعاد فرهنگ: از آنجا که امور فرهنگی، ماهیتاً یکی از ابعاد (نه اجزای) جامعه محسوب می‌شود. در این طرح، با ضرب فرهنگ در ابعاد جامعه، آن را به سه بخش فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی و فرهنگ فرهنگی متکثر کرده است.

ج) اجزا و عناصر فرهنگ جامعه: از آنجا که اجزای جامعه را افراد، خانواده‌ها و سپس سازمان‌ها تشکیل می‌دهند، امور فرهنگی در این اجزا تجسم می‌یابند. بنابراین، امور فرهنگی در سطح خرد، می‌تواند شامل امور فردی، امور خانوادگی و امور سازمانی باشد.

د) سطوح فرهنگ: موضوعات فرهنگی از جهت فراگیری، در سه سطح توسعه (سطح ملی)، سطح کلان و سطح خرد ملاحظه شده است.

نظر به اهمیت امور فرهنگی برای «سطح توسعه» و «سطح کلان»، شاخص‌های این دو قسمت و نحوه طبقه‌بندی آنها در دو جدول آتی آمده است (ر.ک. شورای فرهنگ عمومی،

جدول شماره ۱: شاخص‌های سطح توسعه

امور مورد ارزیابی	شاخص ارزیابی	مصادیق قابل ارزیابی
پذیره‌های سیاسی	میزان حضور اجتماعی	<p>تعداد شرکت‌کنندگان در نماز جمعه</p> <p>تعداد شرکت‌کنندگان در راهپیمایی‌ها</p> <p>تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات</p>
پذیره‌های فرهنگی	میزان استقلال فرهنگی	<p>وابستگی در زبان شامل:</p> <p>تعداد واژه‌های بیگانه مستعمل در کلام</p> <p>تعداد واژه‌های بیگانه غیرضروری مستعمل در نوشته‌ها</p> <p>تعداد کتب و مجلات ترجمه‌شده غیرضروری</p> <p>تعداد کارشناسان خارجی</p> <p>میزان تقید به آداب و سنت‌های ملی</p>
پذیره‌های اقتصادی	استفاده بهینه از امکانات و منابع	<p>میزان اسراف در مصرف آب</p> <p>میزان اتلاف در مصرف نان</p> <p>میزان مصرف کالاهای تجملی</p> <p>میزان قرض الحسنه و صدقات و میراث</p> <p>میزان اعتماد و تعلق غیرمنطقی به کالاها و امکانات خارجی</p>

جدول شماره ۲: شاخص‌های امور فرهنگی «شاخص‌های کلان»

فرهنگی امور	عنوان شاخص	مصادیق قابل ارزیابی
فرهنگ سیاسی فردی	مثبت: میزان حضور اجتماعی	میزان شرکت در انتخابات، نماز جمعه و راهپیمایی‌ها
	منفی: میزان تجاوز به حقوق دیگران	جنایات (قتل، سرقت، کلاه‌برداری، تجاوز به عنف و آدم‌ربایی)
فرهنگ فرهنگی فردی	مثبت: میزان پای‌بندی به آداب و سنن فردی	اقامه نماز (اعزاز واجب و نافله، جماعت یا فرادا)، شرکت در جشن‌ها و عزاداری‌های مذهبی
	منفی: میزان نبود آرامش روحی	انواع خودکشی، بیماران اعصاب و روان، مجانین خاص
فرهنگ اقتصادی فردی	مثبت: میزان مراعات متانت، آراستگی و نظافت ظاهر	پوشش متین و مناسب، مصرف شوینده‌ها، مصرف خوش‌بوکننده‌ها
	منفی: میزان شیوع اعتیاد و فحشا	اعتیاد (الکل، هروئین، تریاک، سیگار)، انواع روابط نامشروع
فرهنگ سیاسی خانواده	مثبت: میزان ارتباطات خانواده	صله ارحام
	منفی: ثبات‌نداشتن خانواده	طلاق، ترک خانواده، واگذاری سالمندان به آسایشگاه، عدم تمکین و ترک نفقه

مصادیق قابل ارزیابی	عنوان شاخص	امور فرهنگی
نام‌گذاری مناسب، احترامات خانوادگی (وفای به عهد و کسب موافقت والدین در ازدواج)	مثبت: میزان رعایت آداب و سنن خانوادگی	فرهنگ خانواده
کودکان و نوجوانان بزه‌کار، معتاد، شرور، فحاش	منفی: میزان نارسایی‌های رفتاری فرزندان	
خانواده‌های بالای خط فقر که دخل و خرج‌شان تعادل دارد	مثبت: میزان تعادل اقتصادی خانواده	فرهنگ اقتصادی خانواده
استفاده از کالاهایی همچون فرش ابریشم، ظروف و اشیای عتیقه و دکورها و تزئینات خاص	منفی: میزان مصرف کالاهای تجملی	
میزان استفاده‌کنندگان از محصولات اقتصادی و فرهنگی سازمان‌ها و هواداران سازمان‌های سیاسی	مثبت: میزان نفوذ و پوشش سازمان‌ها	فرهنگ سیاسی سازمان‌ها
رشوه، اختلاس، فرار از مالیات، احتکار، کم‌فروشی، گران‌فروشی، کم‌کاری و تقلب در فعالیت‌های سازمانی	منفی: میزان تخلفات سازمانی	
هزینه‌های صرف‌شده برای تحقیق، آموزش حین خدمت، بورسیه‌های سازمانی، هزینه‌های امور تبلیغی و پرورشی و مراسم مذهبی و تقریحی سازمان‌ها	مثبت: میزان تحقیقات، آموزش، تبلیغات و امور پرورشی	فرهنگ سازمان‌ها
حضور کارشناسان خارجی، وابستگی در خرید ابزارها و تئوری‌ها و مدل‌های کارشناسی از خارج	منفی: میزان وابستگی فرهنگی سازمان	
استفاده بهینه از نیروی انسانی، امکانات، اختیارات	مثبت: استفاده بهینه از مقدرات	فرهنگ اقتصادی سازمان‌ها
خسارات واردشده به کارکنان، افراد جامعه و محیط زیست	منفی: میزان رعایت‌نشدن بهداشت و ایمنی کار و محیط زیست	

امتیازات و کارایی‌های مثبت

شاخص‌های فرهنگی مورد بحث، امتیازاتی بدین شرح دارند:

- نظام‌مندی: مروری اجمالی نشان می‌دهد این شاخص‌ها با مجموعه‌های قبلی، از نظر دقت‌های الگویی و کارشناسی، تفاوت چشمگیری دارد و نگاهی مجموعه‌نگر، از کلی‌ترین ابعاد تا جزئی‌ترین قسمت‌ها مشرف است. تعیین جایگاه فرهنگ در کنار اقتصاد و سیاست در کل جامعه و سپس طبقه‌بندی بخش‌ها، ابعاد و نیز اجزای اصلی و فرعی و همچنین ملاحظه نظام فرهنگی جامعه در سه سطح توسعه، کلان و خرد، امتیازی دیگری است که کارایی این شاخص‌ها را برای ارزیابی سطوح مختلف ممکن می‌کند.

- ابتنا بر ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل: این ویژگی هم به جهت ترسیم جایگاه مناسب برای فرهنگ و هم به جهت محتوای شاخص‌های مثبت و منفی - که غالباً برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی است - کاملاً ملموس و مشهود است.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

- در این طرح، فرهنگ به سه بخش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم شده است و این طبقه‌بندی برای همه سطوح (توسعه، کلان و خرد) به کار رفته است. در حالی که تقسیم به سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بیشتر با مسائل سطح کلان و کلی جامعه، سازگار است و تقسیم امور فرهنگی در سطح خرد بایستی متفاوت می‌بود. مثلاً میزان مراعات متانت، آراستگی و نظافت ظاهری به عنوان شاخص‌های فرهنگ اقتصادی فردی (برای سطح خرد) ذکر شده است. شاخص منفی آن نیز میزان شیوع اعتیاد و فحشاست. این مسئله با مفهوم اقتصاد که در اصطلاح رایج خود، معنا و مفهوم خاصی دارد، تطبیق مناسبی ندارد.

این اشکالات از آنجا نشأت می‌گیرد که نگاه مدلسازی در این طرح، چنان که در قسمت آخر توضیح خواهیم داد، بیشتر از نوع کل‌نگر است که خصلت و هویت اجزاء را صرفاً از ناحیه کل مورد ملاحظه قرار می‌دهد و به ویژگی‌های سطح خرد توجه اساسی ندارد.

- کثرت شاخص‌ها: در این طرح، با وجود امتیازات زیاد آن، کثرت شاخص‌های مطرح‌شده قابل تأمل است؛ زیرا به کارگیری همه آن‌ها نیازمند وجود سازوکارهای گسترده و صرف زمان و بودجه‌ای کلان است.

ه) شاخص‌های اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی (غیرمصوب)

این شورا اخیراً مجموعه‌ای مفصل از شاخص‌های فرهنگی را به همراه مقدمه‌ای مشروح در سایت این شورا قرار داده است.^۱

این شاخص‌ها در سه سطح «استراتژیک» (راهبردی)، «هدف» و «عملیاتی» تنظیم شده است. شاخص‌های استراتژیک شامل دوازده مورد زیر می‌باشند:

۱. اخلاق؛ ۲. عقلانیت؛ ۳. عدالت؛ ۴. هویت (دینی، ملی و انقلابی)؛ ۵. سرمایه اجتماعی؛ ۶. نظم اجتماعی؛ ۷. وحدت و انسجام؛ ۸. استقلال فکری و ملی؛ ۹. تعاملات فرهنگی بین‌المللی؛ ۱۰. بهداشت جسمی و روانی؛ ۱۱. کالاها و خدمات فرهنگی؛ ۱۲. خانواده

هر یک از این شاخص‌های استراتژیک به شاخص‌های فرعی تری ذیل عنوان شاخص‌های هدف و سپس شاخص‌های عملیاتی تقسیم شده‌اند که مجموعاً تعداد ۷۷ شاخص هدف و ۳۶۰ شاخص عملیاتی را شامل می‌شود.

امتیازات و کارهای مثبت

– در مقدمه این شاخص‌ها، رویکرد «فرا تجربی مبتنی بر وحی»، به عنوان رویکرد اصلی برای طراحی شاخص‌ها ذکر شده است. این رویکرد و قراردادان معارف اسلامی و مبانی عقلانی به عنوان منبع و خاستگاه این شاخص‌ها، باعث شده تا شاخص‌ها از غنا و تعالی خاصی برخوردار باشند. نکته دیگر، قائل شدن سطوح برای شاخص‌ها (سطوح راهبردی، هدف و عملیاتی) باعث شده تا شاخص‌ها، شکلی نظام‌مند به خود گرفته و امکان آشنایی نسبی را برای مخاطب فراهم سازد.

– مروری اجمالی نشان می‌دهد که غالب امور و ابعاد مهم فرهنگ، مانند ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مسائل هویتی، و امور ارتباطی، تولید و توزیع و مصرف محصولات فرهنگی و... در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است.

کاستی‌ها و نارسایی‌ها

– اشکالات الگویی؛ گرچه طبقه‌بندی شاخص‌ها در سطوح مختلف، به تنهایی یک

۱. متن این شاخص‌ها در سایت این شورا موجود است.

امتیاز مهم است اما نحوه به کارگیری این طبقه‌بندی و مصادیق ذکر شده، دارای اشکالات بارزی است. مثلاً معلوم نیست مبنا و منطق انتخاب دوازده شاخص به‌عنوان شاخص‌های استراتژیک چیست. به نظر می‌رسد این انتخاب، بیشتر به احصاء و اجماع نظرات تدوین‌کنندگان بر می‌گردد تا یک مبنای منطقی و دقیق. به همین سبب، در بسیاری از موارد، شاهد تکرار و تداخل در زیرشاخه‌های آنها هستیم.

مثلاً اگر مبنای انتخاب شاخص‌های استراتژیک، اوصاف اصلی فرهنگ است، پس نهادی مانند خانواده که خود یک نهاد عینی است و بایستی محل بروز و تجلی اوصاف مذکور (مانند اخلاق، عقلانیت و...) باشد، نمی‌تواند خودش یکی از شاخص‌های استراتژیک باشد و اگر مبنای انتخاب شاخص‌های استراتژیک، نهادهای اجتماعی است، بایستی در کنار خانواده، نهادهای دیگر مانند سازمان‌ها (اعم از رسمی و غیررسمی)، کل جامعه و نظام حاکمیت هم مطرح باشند.

بی‌توجهی به این نکته باعث شده تا شاخص‌های فرعی مربوط به خانواده هم در قسمت خانواده و هم در شاخص‌های استراتژیک دیگر به وفور تکرار شود. مثلاً شاخص‌های عملیاتی «علاقه جوانان به خانواده خود»، «احترام به والدین و بزرگان خانواده» و... در قسمت شاخص استراتژیک اخلاق و نیز «رضایت خانوادگی» در قسمت شاخص استراتژیک «سرمایه اجتماعی» و یا «رعایت آداب و سنن خانوادگی» و نیز «مسئولیت‌های خانوادگی» در قسمت شاخص استراتژیک «نظم اجتماعی» و نظیر آن، هم در قسمت‌های یادشده و هم در قسمت شاخص استراتژیک خانواده به نوعی تکرار شده‌اند.

علاوه بر اشکال فوق، تنظیم شاخص‌ها در مرتبه شاخص‌های هدف نیز منطق روشن، یکپارچه و منسجمی ندارد. مثلاً معلوم نیست ملاک تقسیم شاخص‌های استراتژیک به شاخص‌های هدف، ابعاد و سطوح جامعه است یا محتوای این شاخص‌ها یا چیز دیگر.

– شاخص‌های عملیاتی نیز دارای چند اشکال عمده است. اول آنکه، غالب آنها بسیار کلی، مجمل و گاه مبهم است. شاخص‌هایی مانند «پایبندی و احترام به آداب و سنت‌های ایرانی - اسلامی»، «اعتماد به نفس» «اقتدار ملی»، «نفی تحجر فکری» و ... برای تبیین و

اندازه‌گیری نیازمند یک یا چند شاخص دیگر هستند که همین مسئله، تعداد شاخص‌ها را از رقم کنونی (۳۶۰ شاخص) به حداقل دو یا چندین برابر افزایش خواهد داد. دوم آنکه، بسیاری از شاخص‌های هدف و عملیاتی، از نظم و انسجام کافی برخوردار نیستند. یعنی، این شاخص‌های عملیاتی لزوماً نشانگر شاخص‌های هدف یا استراتژیک مربوط به خود نیستند. مثلاً، شاخص‌های عملیاتی «اعتماد به آینده کشور»، «احترام به مالکیت خصوصی» «فرهنگ درست کاری در حوزه کسب و کار» و «اهتمام به سلامت اداری» و... که به عنوان شاخص‌های عملیاتی برای «استقلال اقتصادی» ذکر شده گرچه مهم، اما لزوماً نشانگر بالا یا پایین بودن استقلال اقتصادی نیستند. سوم آنکه، به دلیل ابهامات الگویی، بسیاری از شاخص‌ها عیناً و یا به اشکال مختلف تکرار شده‌اند که برخی از آنها ذکر شد.

ویژگی‌های شاخص‌های فرهنگی مطلوب

مروری کلی، نشان می‌دهد که با جمع‌بندی این شاخص‌ها - به دلیل نگرش‌ها و گفتمان‌های محدود آنها - نمی‌توان به مجموعه‌ای منسجم و جامع از شاخص‌ها دست یافت. اما با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و نیز مبانی نظری که در ابتدای گفتار بیان شد، می‌توان برخی اصول کلی را استنتاج کرد و ادعا کرد که شاخص‌های فرهنگی - با هر سلیقه یا دیدگاه - بایستی از آنها برخوردار باشند تا بتوانند ارزیابی شایسته‌ای را از فرهنگ جامعه در اختیار برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران قرار دهند.

ابتناء بر ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل فرهنگی

اساساً شاخص‌های فرهنگی نمی‌تواند از اموری مانند ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های اصیل بشر تهی و منفک باشد و چنان‌که در مبانی نظری (۱-۱) گفته شد، ارزش‌های حقیقی دارای پایگاهی ثابت و استوار است که تغییرات زمانی یا مکانی در حقانیت آن خللی وارد نمی‌کند. در غیر این صورت یعنی با نسبی شدن ارزش‌ها و شاخص‌ها، برتری و پستی، پیشرفت و عقب‌ماندگی و یا تعالی و انحطاط بی‌معنا خواهد بود. لذا شاخص‌های فرهنگی، بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که با کاربست آنها بتوان فرهنگ‌های جوامع

گونگون و یا تحولات فرهنگی یک جامعه را در مقاطع متوالی زمانی از حیث برتری و پستی، پیشرفت یا عقب ماندگی، ارتقاء یا انحطاط و هر نوع صلاح و فساد فرهنگی مورد شناسایی و ارزیابی قرار داد و تصویر روشنی از امور جاری بدست آورد.

قابلیت اندازه‌گیری

از مهم‌ترین ویژگی‌های لازم برای هر شاخص، توان اندازه‌گیری و به‌عبارت دیگر، کمیت‌پذیری است. پس شاخص‌های فرهنگی نیز بایستی ناظر بر امور و جنبه‌های محسوس و مشهود باشند و یا به وسیله آنها سنجیده شوند؛ چراکه بخشی از فرهنگ مانند بینش‌ها و یا ارزش‌های اخلاقی و معنوی را نمی‌توان به‌صورت مستقیم سنجید. مثلاً نمی‌توان بدون هیچ واسطه‌ای، میزان علاقه و مسئولیت اجتماعی را مستقیماً اندازه گرفت. لذا این امر به‌تنهایی نمی‌تواند شاخص قلمداد شوند.

برای سنجش این امور نامحسوس، باید رفتارها، یا آثاری را جستجو کرد که با موضوعات مورد نظر هم‌بستگی داشته باشند. مثلاً رفتارهایی مانند میزان حضور در انتخابات و راهپیمایی‌های ملی و یا میزان دفاع داوطلبانه از کشور برابر تهاجمات بیگانه و... می‌توانند شاخص‌هایی برای سنجش علاقه و مسئولیت اجتماعی باشند.

فراگیری

این ویژگی، هنگامی میسر است که شاخص‌ها بر اساس الگویی جامع و مبتنی بر نگرش کاملی از گستره فرهنگ طراحی شوند.

در زمینه گستره فرهنگ، دو دیدگاه کلی وجود دارد: در یک دیدگاه، فرهنگ صرفاً بخشی از جامعه فرض شده و آن را به اموری مانند «افکار، باورها و رفتارهای انسانی»، «چارچوب عملی زندگی» و یا «واقعیتی عینی و ملموس که به‌دست انسان ساخته شود» محدود کرده‌اند (ر.ک. روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۸؛ ۶؛ Matthew 1963)، در حالی که در دیدگاه دوم، فرهنگ، بُعدی از جامعه بلکه از اساسی‌ترین اوصاف جامعه به‌شمار می‌رود که با تمامی پیکره جامعه، عجین است. لذا تأثیر و انعکاس آن را در همه اجزای جامعه می‌توان ملاحظه کرد (حسینی الهاشمی ۱۳۸۶، ۱). بر این اساس، فرهنگ به ذهن، قلب و یا

عادات رفتاری انسان‌ها محدود نمی‌شود؛ بلکه تا عینیت جامعه از روابط، قوانین و ساختارها تا امکانات، ابزارها و فضاها کالبدی امتداد می‌یابد. به بیان برخی اندیشمندان، ابعاد فرهنگ باید با در نظر گرفتن دو جنبه توسعه، یعنی نتایج و فرآیندها تعیین شوند» (ساکي کو، ۱۳۸۱، ۳۴۵).

لذا در طراحی شاخص‌ها، بایستی همه مقولات اعم از «امور فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی» و «مقدورات فرهنگی» در همه سطوح مد نظر قرار گیرند.

نظام‌مندی

از مسائل بسیار مهم در طراحی شاخص برای شناخت پدیده‌های پیچیده مانند فرهنگ، طبقه‌بندی موضوعات گوناگون، تعیین جایگاه و نحوه ارتباط کل و اجزاء است. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که در این باره سه دیدگاه متفاوت وجود دارد.

الف - دیدگاه جزء گرا

جزء‌نگری، در مکتب فلسفی اتم‌گرایی در یونان قدیم ریشه دارد. در این دیدگاه، همه پدیده‌ها از اجزاء یا ذراتی تشکیل شده‌اند که تفاوت خصلت آن‌ها به تفاوت همان ذرات آن‌هاست (راسل، ۱۳۴۰: ۶۵-۷۱). در این دیدگاه، «کل» از طریق شناخت اوصاف اجزاء خود شناخته شده است. طبعاً این دیدگاه، با اصالت فرد در مباحث اجتماعی سازگاری دارد.

مثلاً اگر بنا بر مبانی انسان‌شناختی، مهم‌ترین ابعاد یا ویژگی‌های یک انسان، شامل؛ «بینش‌ها»، «گرایش‌ها» و «رفتارها» باشند، برای شناخت فرهنگ کل جامعه، این ویژگی‌ها، مبنای شناخت فرهنگ در سطح افراد، خانواده، سازمان و کل جامعه قرار می‌گیرند. شاخص‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۸۲، بیشتر متأثر از این دیدگاه است.

ب - دیدگاه کل‌گرا

در این دیدگاه، برخلاف دیدگاه اول، فقط کل واقعیت و هویت دارد و خصلت

اجزاء، تابع کل فرض می‌شود و هویت آنها در هویت کل منحل فرض می‌شود. این دیدگاه، اصالت جامعه را در پی داشته است، لذا الگوی ارزیابی فرهنگ جامعه و نحوه چینش شاخص‌های فرهنگی بر محور ویژگی‌های کلان فرهنگ طراحی می‌شود. مثلا اگر امور فرهنگی را در کلان‌ترین سطح (سطح توسعه) مشتمل بر سه بخش «فرهنگ سیاسی»، «فرهنگ فرهنگی» (فرهنگ اجتماعی) و «فرهنگ اقتصادی» بدانیم، بر اساس این دیدگاه، ویژگی‌های فرهنگی افراد، خانواده‌ها و سازمان‌ها به تبع این ابعاد کلان مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. مانند آنچه در شاخص‌های شورای فرهنگ عمومی ملاحظه کردیم (ر.ک: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی: ۸۷-۱۲۳).

ج - بینش نظام‌گرا

قبل از طرح نگرش نظام‌گرا، لازم است اشاره کنیم دو دیدگاه یادشده، ناقص و نارساست؛ زیرا دیدگاه جزء گرا از تفسیر خصلت‌های جدیدی که در ترکیب به وجود می‌آیند، ناتوان است. در بینش کل‌نگر نیز اجزاء فاقد ماهیت و اثر بوده لذا بایستی تغییر اجزاء و یا بود و نبود آنها، در کل اثری نداشته باشد که این نیز آشکارا خلاف واقعیت است.

در نگرش نظام‌گرا (سیستمی) هر شیء یک سیستم محسوب می‌شود که در آن، وجود اجزائی متفاوت و ارتباط مستمر آنها با یکدیگر و نیز تفاوت نقش‌ها و کارکردهای این اجزاء، باعث شکل‌گیری مجموعه یا یک کل مرکب خواهد شد که خصلت یا کارایی جدید آن فراتر از کارکرد هر یک از اجزا می‌باشد (ر.ک: مرعشی و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۳-۷۷ و Drapper Kouffinan : p.2). بنابراین، نگرش نظام‌گرا در طراحی شاخص‌ها، ضرورت‌های زیر را ایجاب می‌کند:

- لزوم طبقه‌بندی و تفکیک منطقی مقولات فرهنگی از جمله امور، فعالیت‌ها و... و عدم تداخل آنها و تعیین شاخص‌های مناسب برای هر قسمت.
- مشخص ساختن اولویت‌ها، جایگاه‌ها و نسبت‌ها
- رعایت سطوح (سطح کلان - مثل سطح ملی و فراملی - و نیز سطح خرد مانند فرهنگ فردی، خانوادگی و سازمانی)

مقبولیت نسبی (قابلیت تفاهم در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی)

چنان‌که مسلم است یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ، تنوع و گوناگونی آن در بین اقوام، ملل و مناطق مختلف جهان است و همین امر، تعیین ملاک برای سنجش فرهنگ‌های گوناگون و مقایسه آنها و تشخیص میزان رشد، عقب‌ماندگی و یا انحطاط آنها را مشکل می‌سازد.

به‌طور کلی در این زمینه سه رویکرد کلی را می‌توان مدنظر داشت:

الف - «نسبی‌گرایی فرهنگی»: این رویکرد به این معناست که اجزاء و عوامل یک فرهنگ را نمی‌توان با عناصری از فرهنگ دیگر مقایسه کرد؛ زیرا هر عنصر از فرهنگ، فقط در درون مجموعه خود، معنای خود را داراست. لذا بر اساس این دیدگاه، اساساً معیاری برای سنجش و مقایسه برتری عناصر یک فرهنگ نسبت به عناصر فرهنگ دیگر وجود ندارد. بر اساس این رویکرد، تعالی و انحطاط و یا پیشرفت و عقب‌ماندگی، سلامت و فساد فرهنگی را نمی‌توان مشخص کرد.

ب - «قوم‌مداری فرهنگی» در این رویکرد، ملاک سنجش و مقایسه، مؤلفه‌ها و مبانی فرهنگ خود است. شکی نیست که اگر این کار در حد ترجیح عناصر اصیل و حفظ هویت فرهنگی خود باقی بماند و نیز مانع از مرادده‌های مثبت و قبول ارزش‌های صحیح از فرهنگ‌های دیگر نشود، امری طبیعی است اما باید دانست، اگر هدف از این سنجش و مقایسه، تفاهم با فرهنگ‌های دیگر و مقبولیت در سطحی وسیع‌تر باشد، این رویکرد نیز کارآمد نیست.

ج - «تکیه بر اصول مشترک»؛ در این رویکرد، تفاوت‌های فرهنگی به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر لحاظ می‌گردد اما برای شناخت و مقایسه تفاوت‌ها و تغییر و تحولات فرهنگی در هر سطح (اعم از قومی و محلی، ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی)، ملاک‌ها و معیارهایی به کار گرفته می‌شود که برای تمامی فرهنگ‌های مورد بررسی از مقبولیت برخوردار بوده و قابلیت تفاهم داشته باشند.

تنها این رویکرد، آن‌هم در صورتی قابل قبول است که شاخص‌های انتخاب‌شده، علاوه بر مقبولیت، از حقانیت نیز برخوردار بوده و در واقع، بر پایگاه ثابتی یادشده استوار باشند.

عملی و به صرفه بودن

با توجه به گستردگی و فراگیری فرهنگ بر همه ابعاد و مسائل اجتماعی و وجود موضوعات بی‌شمار کلی و جزئی، امکان طراحی شاخص‌های بسیار، به تعداد هر مسئله خاص و جزئی وجود خواهد داشت و طبیعی است که تکرر بیش از حد شاخص‌ها، کاربرد آنها را مشکل و پرهزینه خواهد کرد. در حالی که انتخاب یک شاخص مناسب می‌تواند بیانگر چند موضوع مرتبط و مشابه باشد؛ لذا شاخص می‌تواند با وجود محدودیت، بر نقاط حساس و کلیدی معطوف باشد؛ مانند آنچه در شاخص‌های فرهنگی یونسکو و یا شاخص‌های ایالات متحده گذشت.

رعایت اولویت‌ها مبتنی بر هدف

به‌طور کلی، مجموعه شاخص‌ها بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که با هدف موردنظر از ارزیابی - یعنی شناخت قوت‌ها و نارسایی‌های فرهنگی و سپس برنامه‌ریزی برای ارتقاء فرهنگ جامعه - هماهنگ باشد. لازمه دستیابی به این ویژگی، مشخص کردن جایگاه هر یک از مقولات فرهنگی اعم از (امور، فعالیت‌ها و...) و طبقه‌بندی آنها به گونه‌ای است که ضمن رعایت اولویت‌ها و هماهنگی همه بخش‌ها، تحلیل علل و برنامه‌ریزی برای رفع نواقص و نارسایی‌ها، به راحتی قابل انجام باشد. مثلاً، اگر شاخص‌های ما در سه دسته کلی برای امور، فعالیت‌ها و سپس مقادورات فرهنگی دسته‌بندی شوند، شاخص‌های ارزیابی امور فرهنگی به‌عنوان اصلی‌ترین و والاترین قسمت فرهنگ، بایستی مقدم قرار گیرد و شاخص‌های مربوط به فعالیت‌ها هم تابع تقسیم‌بندی امور فرهنگی باشند و سرانجام، مقادورات فرهنگی نیز بایستی تابع و موخر از آن باشد.

دوجهتی بودن شاخص‌ها (مثبت و منفی)

بنا بر مبانی نظری بیان‌شده، در دیدگاه الهی، انسان موجودی مختار است که از توانایی حرکت در مسیر صحیح و باطل، برخوردار است لذا جنبه‌های گوناگون فرهنگ نیز به‌عنوان تجلی اراده و امیال جمعی انسان‌ها، می‌تواند به سمت تعالی و کمال سیر کرده و یا به سمت انحطاط کشیده شود. به همین دلیل، اندازه‌گیری و ارزیابی

جنبه‌های منفی فرهنگ، هم عرض با جنبه‌های مثبت آن، منطقی بوده و در کل بر دقت ارزیابی می‌افزاید.

تکیه بر امور اساسی و کلیدی

چنان‌که گفته شد، تکثر بیش از حد شاخص‌ها، کاربرد آنها را مشکل و پرهزینه خواهد کرد. به همین سبب، شاخص‌سازی برای همه مسائل بسیار جزئی فرهنگ، لزوماً مطلوب نیست بلکه شاخص‌ها بایستی ناظر بر آن دسته امور مهم و محوری تکیه کند که تحولات و جریان‌های فرهنگی را در جهت مثبت یا منفی، به‌خوبی نشان دهد و تغییر در آنها، نمایانگر تغییر در بسیاری از امور مشابه و مرتبط با آنها نیز باشد. برای نمونه، بسیاری از شاخص‌های فرهنگی ایالات متحده که ذکر آن گذشت، از این قبیل بودند؛ البته برخی ویژگی‌های دیگر نیز برای شاخص‌های فرهنگی (مانند روشن‌بودن روش گردآوری، در دسترس‌بودن ابزار تدوین و پایش و...) بیان شده است^۱ که در واقع، ناظر بر ویژگی‌های ذاتی شاخص‌ها نیستند بلکه بیشتر به لوازم و نحوه کاربرد آنها مربوط می‌شوند.

نتیجه‌گیری

با نگاه کلی به مباحث و ویژگی‌های بیان‌شده برای شاخص‌های فرهنگی شامل «ارتباط با ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل»، «قابلیت اندازه‌گیری»، «فراگیری»، «نظام‌مندی»، «مقبولیت نسبی»، «عملی و به‌صرفه‌بودن»، «رعایت اولویت‌ها مبتنی بر هدف»، «دو‌جهتی‌بودن» و «تکیه بر امور کلیدی»، می‌توان اذعان کرد، این اوصاف در دو ویژگی اساسی خلاصه می‌شوند؛ یکی، مسئله‌خاستگاه تعیین شاخص‌هاست که در مبانی نظری بحث شد و دیگری نظام‌مندی است که نیازمند طراحی الگویی جامع، منطقی و کارآمد در این زمینه است و چنان‌که دیدیم، بسیاری از اشکالات شاخص‌های پیشین به نقصان و نارسایی الگویی، مربوط می‌شد. قابل ذکر است نگارنده این سطور، با پژوهش متمرکز در این زمینه – به‌ویژه در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی الگوی مطلوب شاخص‌های فرهنگی برای

۱. سایت انتشارات سازمان ملل در جمهوری اسلامی ایران.

رسانه ملی» نظرات الگویی را طی چند مقاله پیشنهاد کرده است.^۱ در هر حال، طراحی شاخص‌ها، موضوعی است که با مطالعه، شناخت و تجربیات بیشتر رشد و کمال بیشتری خواهد یافت. امید است این مختصر نقاط روشنی را فراروی پژوهشگران و دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ قرار دهد.

۱. مقاله اول تحت عنوان «الگویی مطلوب از شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه ملی» در فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۴ در سال ۱۳۹۴ با تالیف محمد سلیمی و دکتر سیدرضا صالحی امیری و مقاله دوم تحت عنوان «الگوی دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی» - از محمد سلیمی در مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگ - جلد پنجم، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تهران سال ۱۳۸۵. و مقاله دیگر «شاخصه‌های فرهنگ اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ع)» که در همایش نهضت علمی و فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ع) در یازده خرداد ۱۳۸۹ با تالیف محمد سلیمی ارائه و در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

کتابنامه

۱. بصراوی، زهرا (۱۳۷۷)، تدوین شاخص‌های فرهنگی در اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی، واحد تهران، طرح پژوهشی ۱۱ و ۳۲۲.
۲. بیستن، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۸۹)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۳. حسینی الهاشمی، منیرالدین (۱۳۸۶)، مدل سیاست‌های کلان فرهنگی، قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
۴. دوپوی، گزاویه (۱۳۷۴)، فرهنگ و توسعه، ترجمه: فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین‌قلم، تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۵. راسل، برتراند (۱۳۴۰)، تاریخ فلسفه غرب، ج ۱، فلسفه قدیم، ترجمه: نجف دریابندری، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۶. روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار.
۷. _____ (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.
۸. ساکی کو، فوکود. پار (۱۳۸۱)، در جستجوی شاخص‌های فرهنگ و توسعه: روش‌ها و پیشنهادها، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، انتشارات مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۹. سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی <http://sccr.ir>
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، حُسن و قبح ذاتی، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. سلیمی، محمد (۱۳۸۵)، الگویی برای دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگ، جلد ۵.
۱۲. سلیمی، محمد و سیدرضا صالحی امیری (۱۳۹۴)، «الگویی مطلوب از شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه ملی»، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۱۴.
۱۳. سوزنچی، حسین (۱۳۸۵)، «اصالت فرد، جامعه یا هردو»، فصلنامه قیاسات، ش ۴۲.

۱۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶/۶/۲۵)، نظام‌نامه فرهنگی کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۵. شورای فرهنگ عمومی (۱۳۸۶)، شاخص‌های فرهنگ عمومی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۱۶. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر
۱۸. کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۸۱)، گزارش جهان فرهنگ ۲۰۰۰، تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۰. مرعشی، سیدجعفر، وحیده بلیغ و علی غیاث‌آبادی (۱۳۸۵)، تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۲۱. مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۲)، سکولاریسم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، جامعه و تاریخ ازدیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، عدل الهی، قم: صدرا.
۲۴. معین، محمد (۱۹۹۳)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر
۲۵. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق (۱۳۹۴)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات خردمند.
۲۶. ویلسون، براین (۱۳۷۴)، فرهنگ و دین، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
27. Matthew, Arnold (1963), *Culture and Anarchy*. Ed. J. Dover Wilson. London. Cambridge University Press.
28. Drapper L. Kouffman (1980), *An Introduction to Systems Thinking*, P.
29. www.Un.org.ir/pub_gallery/publications/workshop2/shakhes.doc.
30. Britannica Encyclopedia
31. Webster Encyclopedia
32. <http://www.leader.ir/langs/fa/index>